

قطع نامه سوم و پی آمدهای آن

و در کنار رئیس جمهوری آمریکا جولان می دهد. در آلمان، دیگر «شرودر» باژست های معمار سازنده آلمان بزرگ و یک پارچه که برای همسایگان اروپائی و نیز آمریکارجز خوانی می کرد جای خود را به خانم مرکل داده که به آمریکا بمنزله برادر بزرگتر می نگرد و در انگلیس آقای براون بر سر کار است که شاید ظاهر مواضعش با باطن آنها کمتر از اسلافش تفاوت داشته باشد و صادقانه تر با آمریکا تعامل نماید. از روسیه و چین نیز بمناسبت روابط گسترده شان با غرب و بخصوص با آمریکا همچنان که قبلا نیز تجربه شده انتظار حمایت داشتن بپهوده است. در چنین شرایطی تصویب احتمالی قطع نامه سوم شورای امنیت چه عواقبی را برای میهن ما می تواند رقم بزند؟ آقایان پارامترها را کنار هم بچینید تغییرات فضای سیاسی جهان را درک کنید و بی جهت بر طبل یکدندگی و لجاجت و خود بزرگ بینی نکوبید و با هستی یک ملت ۷۰ میلیونی و کیان ملی ما بازی نکنید.

دلیل کاسته شد و کفه تفاهم و رفاقت سنگینی نمود باید موقعیت را درک نموده و منافع ملی را دچار مخاطره ننمایند.

در عصر حاضر مسئله انرژی هسته ای ایران بهانه ای شده تا برخی از قدرتهای درگیر در مناقشات منطقه خاورمیانه از جمله آمریکا برای فشار وارد کردن بر رژیم ایران و رقبای خود از آن بهره بگیرند و در مقابل برخی قدرتهای دیگر بمناسبت حفاظت از منافع خود که نسبت به این مسئله آنچنان حساسیتی نداشتند و راه ممانشات با حاکمیت ایران را دنبال می کردند. ولی در ماههای اخیر بخصوص با توجه به تغییراتی که در دولت های فرانسه و آلمان و انگلیس پیدا شده بنظر می رسد که شرایط سیاسی تغییر کرده است. در فرانسه «ژاک شیراک» که برای این کشور قدرتی تعیین کننده در مناسبات جهانی قائل بود و حمله آمریکا به عراق را زیر سؤال می برد جای خود را به «سارکوزی» داده است که تعطیلات تابستانی خود را در آمریکا سپری می کند

از گذشته دور فضای سیاسی در صحنه بین المللی فضایی سیال و در حال تحول و تغییر دائمی بوده و هست چه تضادهائی که بین قدرتهای جهانی به تفاهم و همگامی رسیده و چه اتحادهایی که به افتراق و خصومت نکشیده است. در عصر حاضر بعلت پیشرفت های تکنولوژیک و ارتباطات گسترده در دنیا تغییر و تحولات سیاسی بسیار سریعتر و گاهی ناگهانی اتفاق می افتد و تصور یک فضای ثابت و متحجر و لا یتغیر، بر قدرت نشستگان را از واقعیات زمان دور ساخته و به بیراهه ها سوق می دهد و چه بسا آتش هائی را برمی افروزد که نه تنها دود آن چشم نسل حاضر را می آزارد که زندگی نسل های آینده را نیز متأثر می سازد. سیاستمداران آگاه و دلسوز باید با خردورزی تضادها و رقابت های بین قدرت های خارجی و هم چنین همسوئی و نزدیکی شدن دیدگاههای آنها را به هم بفهمند و در جهت حفظ و اعتلای منافع و امنیت ملی از این تحولات حداکثر بهره را بگیرند و زمانی که تضادها و رقابت ها به هر

فهرست مطالب

- ۱ قطع نامه سوم و پی آمدهای آن
- ۱ آنچه در آمریکا رویداد
- ۲ اعدام های در ملاء عام و اخلاق و فرهنگ
- ۳ در دانشگاهها چه می گذرد؟
- ۴ واعظی عمل
- ۴ فساد مالی و اداری در جهان
- ۴ مرگهای ناشی از فقر و بی اعتنائی مسئولان

آنچه در آمریکا رویداد

همچنان که همه می دانند رئیس جمهور دولت جمهوری اسلامی برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد از روز دوم مهرماه جاری به آمریکا سفر کرد. در حاشیه این سفر دانشگاه کلمبیا از ایشان جهت شرکت در یک جلسه و ایراد سخنرانی دعوت بعمل آورد. این جلسه سخنرانی قبل از اجلاس مجمع عمومی برگزار شد. در این جلسه رئیس دانشگاه کلمبیا برخلاف موازین پذیرفته شده جهانی برخورد تحقیرکننده و توهین آمیزی با رئیس جمهوری اسلامی نمود که برای هر ایرانی وطن دوست از جمله ما که با رفتار و گفتار رئیس جمهوری رژیم اسلامی کاملاً مخالفیم تا حدود زیادی غیر منتظر بود.

با بررسی جوانب گوناگون این موضع گیری از طرف رئیس دانشگاه کلمبیا این نتیجه گیری بدست می آید که چون برپائی این جلسه سخنرانی و دعوت از آقای احمدی نژاد مورد انتقاد محافل گوناگون سیاسی و اجتماعی آمریکا و

اعدام‌های در ملاء عام و اخلاق و فرهنگ

هنگامی که صحبت از اهمّ وظایف یک دولت مستقر و مسلط بر تمام اهرمهای قدرت مطرح می‌شود، بدون تردید فراهم کردن موجبات امنیت جان و مال و آزادی همه جانبه‌ی شهروندان در رأس هدفها قرار می‌گیرد و طبیعتاً ارتقاء سطح فرهنگ و اخلاق جامعه نیز جزء اصلی بحث و گفتگو خواهد بود، بنابراین چنانچه هیأت حاکمه قدرتمند از لحاظ مادی و لوازم مربوط پس از سالها سابقه تصدی، در رسیدن نسبی به هدفهایش که بطور خلاصه تامین سعادت مردم ناکام مانده و توفیق در انجام وظیفه راهم نداشته باشد، باید صحنه سیاسی را خالی کرده و امر خطیر مملکت داری را به دیگران واگذارد، زیرا تجربه‌ی تاریخ ثابت کرده است که اصرار به باقیماندن در قدرت، به کمک توپ و تفنگ نیز میسر و مفید نخواهد گشت و در آن صورت ائتلاف هر چه بیشتر امکانات و منابع عظیم ملت فراهم خواهد گردید؛ و فرصتهای ذی قیمت برای پیشرفت از دست خواهد رفت.

اینک پس از یک سوم قرن تجربه و آزمون راههای گوناگون به آنجا رسیده‌ایم که می‌بینیم از نتیجه تلاشها در راه و بیراهه حاصلی جز خسران و خفقان ببار نیامده و در عوض خیل جوانان بیکار، مأیوس، معلول و معتاد در شهرها تأسف همگانی را برانگیخته است: عجبا که مسئولان همچنان مسئول! و بر سر کار کماکان می‌خواهند مشکلات و اشتباه کارهای پیدا شده طی سالها را بوسیله گلوله‌های داغ و طناب دار حل و فصل کرده و در واقع صورت مسأله را پاک نمایند؛ در مورد اعدامهای گروهی بدون محاکمه آیا نباید پرسید که این باصطلاح اوباشان مستحق اعدام‌های بی محاکمه در کدام محیط مشوش و ناسالم پرورش یافته و امروز آرامش خود و جامعه را به تباهی کشانده اند.

تاریخ می‌گوید که
پایان کار در جوامعی که اعمال خشونت
از ارکان اصلی و لازم سلطه و ادامه
حکومت بشمار می‌رود
چقدر غم‌انگیز
و تاسف‌بار خواهد بود

به نحویکه ناچار! باید به جرمهای نامشخص و غیر قطعی با مظلومانه‌ترین صورتی اعدام گردند! اما تاثیر مستقیم این کشتارها در فرهنگ و اخلاق جامعه که مورد بحث است چگونه ارزیابی می‌شود و ناظران

ایرانی و غیر ایرانی مدافع حقوق بشر چه برداشتی از این اعمال خشونت‌ها در دل و زبان دارند؟

در کشورهای پیشرفته و آنجایی که نمایندگان مردم، دولت‌ها را انتخاب کرده و مراقب دائمی اوضاع هستند بخوبی آگاهند که در تلطیف یا تخریب اخلاق فردی و اجتماعی، بزرگان مسئول، با رفتار و گفتار خود و با وعده‌های عمل نکرده و قبول مسئولیتهای خیلی بالاتر از استعداد و توانایی، تا چه میزان در بدآموزی افراد و راندن آنها بسوی بداخلاقی یا بی فرهنگی موثر و مقصودند و در نتیجه باید در اولین فرصت شخصا بوسیله مجریان قانون از قدرت کناره گرفته یا برکنار شوند، ایکاش مسئولان حکومتی در جوامع استبداد زده هم که بر احتی امتیازات میز قدرت را رها نمی‌کنند اذعان می‌داشتند که تاثیرات مخرب حتی یک اعدام بدون طی تشریفات قانونی و بی حضور وکیل مدافع و با رعایت آیین دادرسی و اثبات جرم بوسیله قاضی در دادگاه مشخص و در ملاء عام، یک مصادره‌ی بدون جواز قانون و رعایت انصاف، یا دستور اخراج بی‌قاعدہ استاد و دانشجو از محیط علم و دانشگاه و... و... چقدر سهمگین و فاسد کننده اخلاق و رفتار شهروندان در روابط اجتماعی می‌باشد و این فساد اخلاقی بتدریج و بمرور ایام چگونه در جامعه ریشه می‌دواند و جماعتی منتظر فرصت در آشفتنگی اوضاع با مشاهده‌ی بی‌عدالتی‌ها و خلف وعده‌ها باین نتیجه می‌رسند که رعایت قانون و انصاف در فعالیتهای اجتماعی مایه‌ی زیان و عقب ماندگی است و باید هم‌رنگ زورگویان زد و برد و در جامعه‌ی خشن و بی‌ترحم کلاه خود را نگهداشت! در چنین دولت و جوامع متکی به حربه‌ی اعدام، حبس و ارباب مداوم مخالفین، معمولاً مکتب تفاهم و عظوفت تعطیل می‌گردد و صدای مهرآمیز و اظهار محبت از دوستی، با فوقی یا همسایه‌ی دیوار به دیواری شنیده نمی‌شود و سرانجام در برابر اعدامهای مکرر بدون محاکمه توأم با خلافهای دیگر موقتا و ظاهراً خونی در دل‌های تماشاگر ایرانی نمی‌جوشد: اما تاریخ می‌گوید که پایان کار در جوامعی که اعمال خشونت از ارکان اصلی و لازم سلطه و ادامه حکومت بشمار می‌رود چقدر غم‌انگیز و تاسف‌بار خواهد بود و سوسه‌ی انتقام و میل مردم به بی‌قانونی و هرج و مرج، مملکت را تا پرتگاه مهیب خواهد برد.

لذا بی دلیل نیست که صاحب‌نظران و جامعه شناسان، حتی صدور حکم اعدام برای مجرمین

واقعی و جنایتکاران را نیز منطبق با فلسفه اصلاح جامعه و تربیت و مداوای مجرم نمی‌دانند، بنابراین آیا اعلام این که: برقراری آرامش و آسایش در جامعه تنها با اعمال خشونت برای ترساندن و ایجاد محدودیت‌ها میسر است، ادعای بی پایه‌ای نیست؟ مگر تا کی و تا چند اعدامهای علنی و مخفی را می‌توان ادامه داد و در برابر اعتراضات جهانی استناد به ضرب المثل "چهار دیواری، اختیاری" نمود؟ احساس آدم کشی و انتقام کشی از خانواده به خانواده، ایل به ایل و شهر به شهر گسترش می‌یابد و نفرتهای درون را طی سالها و نسل‌ها متراکم تر می‌نماید. این نفرت‌ها با تبلیغات موزیانه و شستشوی مغزی از انسانها که در شرایط عادی مرگ پرنده‌ای را هم نمی‌توانند ببینند، موجودی می‌سازند که دهها و صدها انسان دیگر را فقط به گناه تفاوتی در اندیشه نه تنها با فجیع‌ترین صورتی می‌کشد، بلکه جسد بی جان آنها را مثله هم می‌کند و یا می‌سوزاند! به راستی که "آدمیزاده طرفه معجونست" چنان معجونی که افق لذت و شادمانی او از مشاهده منظره دست و پا زدن مأیوسانه یک انسان جوان بر بالای دار تا تماشای شگفتن یک گل سرخ زیبا در صفای سحرگهان، فرق می‌کند! و دریغا که چنین باشد و عادت به خونریزی اسباب خوشحالی برای ایرانی بشود. ما تاکید مجدد می‌کنیم که نقش و وظیفه حکومت‌های انسان پرور، در لطیف و لطیف‌تر کردن اخلاق فردی و اجتماعی و احترام به شخصیت و خواسته‌های منطقی انسان خلاصه می‌شود و بس، "و گر نه هر که تو بینی، ستمگری داند!". خونین جگر و دلشکسته از مناظر اعدام و شکنجه، ما آرزو مندیم نام شریف ایران و ایرانی بیش از این در ردیف نام دشمنان حقوق بشر و معتقدان به کشتن و بستن‌های بدون

صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان،
حتی صدور حکم اعدام برای مجرمین
واقعی و جنایتکاران را نیز منطبق با
فلسفه اصلاح جامعه
و تربیت و مداوای مجرم
نمی‌دانند

محاکمه و ثبوت جرم، قرار نگرفته و گزارشات جهانی از فرستادن جوانان شانزده ساله به بالای دار مجازات بیشتر از این موجبات شرمساری ملتی کهنسال را فراهم نیاورد.

در دانشگاهها چه می گذرد؟

همه ساله با فرا رسیدن مهرماه جنب و جوشی در سراسر ایران به چشم می خورد که آن پایان تعطیلات تابستانی دانشگاهها و مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید است و میلیونها دانش آموز، دانشجو، معلم و استاد دانشگاه در اجرای برنامه های آموزشی روانه مراکز آموزشی می شوند.

آموزش و پرورش کشور ما در طرح برنامه و اجرای آن در تمام سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی بعد از انقلاب ۵۷ در رساندن ایران به کشورهای مترقی و پیشرفته جهان ناکارآمد بوده است. در سال تحصیلی گذشته در مراکز آموزشی نیز چون سراسر ایران زمین دانشجویان و استادان و دانش آموزان و معلمان از نبودن آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر محروم بوده اند اگر اشاره ای به سال گذشته شد از آن جهت است که در دهه های گذشته آزادیهای فردی و اجتماعی در مراکز آموزشی ملاحظه می شده است. با نگاهی گذرا می بینیم که در سال گذشته با اعلام انقلاب فرهنگی دوم از سوی صاحبان قدرت که به ناروا بر سرنوشت و هستی ملت ایران سلطه یافته اند. در این اندیشه اند که امکانات ناچیزی را که در پی مقاومت مدام مردم ایران طی سال های طولانی بدست آمده محو و نابود سازند و با طرح برنامه های خشونت بار و اجرای آنها به گفته خودشان به پاکسازی مجدد اقدام کنند.

حبس اخراج تعلیق در مراحل و دوره های آموزشی تهدید احضار صدور احکام سنگین و قرارهای مالی سنگین تر از آن برای بازداشت شدگان بمنظور ایجاد رعب بیشتر هر روز فزونی می یابد. بازنشسته کردن و لغو قرار دادهای معلمان و مدرسان و استادان مورد توجه و علاقه دانشجویان به بهانه های گوناگون، مسلط کردن بیش از پیش بسیجی ها بر محیط دانشگاهها و مجاز بودن مأموران اطلاعاتی و امنیتی، بسیجی و حراست ها در هر نوع رفتار با فرهیختگان جامعه دانشگاهی بخش هایی از اقدامات سرکوبگرانه بر کرسی قدرت نشستگانتست و این اقدامات مانعی است بزرگ برای رسیدن به هدفهای والایی که دانشگاهها برای آن ایجاد شده اند.

در شروع سال تحصیلی ۸۷-۸۶ تعدادی از دانشجویان از سال گذشته همچنان در بندند تعدادی دیگر بعلت نگرانی از بازداشت به دانشکده های خود مراجعه نکرده اند و در مجموع جای بسیاری از دانشجویان دگراندیش، آزادخواه در کلاسهای درس خالیست.

در آغاز کار دانشگاهها رئیس دانشگاه تهران به تهدید می پردازد و می گوید دانشجویان باید از حوادث پیش آمده در دانشگاه امیرکبیر پند بگیرند. شنیده و خوانده اید که در سال تحصیلی پیشین به بهانه های مختلف تعدادی از دانشجویان این دانشگاه بازداشت شدند و بعضی از آنان به اتهامات سنگینی متهم شده و در بند ۲۰۹ اوین می باشند و شنیده می شود فیلم اعترافات آنان را به رؤسای دانشگاهها در جلسه ای خصوصی نشان داده اند. هم بندهای این دانشجویان زندانی و خانواده هایشان بارها اعلام کرده اند که اینان تحت شرایط سختی مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار دارند و رنجنامه ای که خانواده های سه دانشجوی زندانی اوین به سایت ها و مراکز مدافع حقوق بشر ارسال داشته اند، هر خواننده ای را آزرده دل می کند. مگر نه اینست که دانشگاهها باید از استقلال برخوردار باشند و برای تحقق جامعه ای آزاد و مردمسالار استاد و دانشجو باید در محیطی فعال باشند که سایه سنگین نیروهای سپاهی و امنیتی بر آن گسترده نشده باشد. باید استنادی برگزیده شوند که علاوه بر آگاهی لازم در رشته تحصیلی خود و صاحب نظر بودن در آن علم به روشهای پیشرفته آموزشی در جهان در حال تحول امروزی مجهز باشند. وزارت آموزش عالی و فناوری موظف به تهیه امکانات لازم برای دانشگاههای ایرانست. در حالیکه با گرانی روزافزون قیمت نفت درآمدهای ارزی حکومت در حال افزایش فوق العاده است ولی آموزش در آن ناچیزترین سهم را دارد بنحوی که معاون وزارت علوم با شروع کلاسهای دانشگاهی اعلام می کند ما فقط برای تکمیل و قابل استفاده کردن مراکز آموزشی خود نیاز به ۳۰۰ میلیارد تومان پول داریم که دولت در اختیار ما نگذاشته و گرفتار کمبود بودجه می باشیم. و این در حالیست که بودجه های مملکتی و درآمد سرشار نفت به چاه عمیق خرید سلاح های جنگی و فعالیت های پنهانی از چشم ملت ایران فرو می ریزد بدون آنکه صاحبان اصلی این سرزمین که ملت بزرگ ایران می باشند از چند و چون این معاملات کمتر خبری داشته باشند.

ما بر این باوریم که در سیستمهای آموزشی متکی به سلطه و استبداد رشد جامعه مسیر صحیح خود را طی نمی کند. پرورش یافته شدگان یک آموزش استبدادی در مقابله با نابسامانی ها ناتوان شده و از خردورزی در امور غافل می شوند. در دانشگاههای ما آزادی و سخن از آزادی فکر و بیان بشدت تحت فشار حکومت است و سخنان آقای احمدی نژاد درباره آزادیهای جوانان و دانشگاهیان خلاف وقایع و حقایقی است که ملت ایران شاهد آنست و تا استقلال محیط های دانشگاهی و آزادی استاد و دانشجو مفهومی واقعی پیدا نکند همچنان که گفته شد ایران ما روز بروز از دسترسی به آینده ای روشن دورتر خواهد شد.

آنچه در آمریکا رویداد

ادامه از صفحه ۱

سازمان های طرفدار حقوق بشر و نهادهای مختلف دیگر بوده است. رئیس دانشگاه مصلحت را چنین دیده که با ایراد آن سخنان و بکار بردن آن جملات خود را از هجوم حملات انتقادی در مورد این دعوت و عواقب آن برهاند و باصطلاح اینطور وانمود نماید که منظورش از برپائی این جلسه و دعوت از آقای احمدی نژاد صرفا انتقاد از عملکرد ایشان بوده و نه چیز دیگری. اکنون برای همه ایرانیان میهن دوست و حق گو و حق طلب این سوال پیش می آید که چرا باید عملکرد و موضع گیری حکومت جمهوری اسلامی بگونه ای باشد که دعوت از رئیس جمهور آن برای رئیس یک دانشگاه معتبر آنچنان مشکلات و انتقاداتی را بیافریند که او برای فرار از آنها آنگونه خارج از عرف معمول عمل کند و آنچنان حیثیت ایران و ایرانی را در صحنه جهانی مخدوش گرداند.

ملت ایران سال ها قبل حضور دکتر مصدق نخست وزیر دولت ملی ایران را در سازمان ملل بخاطر دارد که با وجود انتقادات شدیدی که از مداخلات قدرتهای بیگانه در امور ایران داشت و با وجودیکه قدرتهای استعماری را در سطح جهان به چالش کشید چگونه توانست احترام جهانیان را به خود و به ملت ایران جلب نماید و چگونه ماجرای ملی شدن صنعت نفت را به نفع ایران به پیش ببرد و چگونه ملت آمریکا را به برخورد ستایش آمیز از خود بعنوان قهرمان ملی ایران وادار کند و این موفقیت ها تنها بعلت اتخاذ سیاست های درست و رعایت عرف بین المللی و استفاده صحیح و به موقع از تضاد منافع موجود بین قدرتها بدست آمد. امروز به برکت پیشرفت های حیرت انگیز در زمینه ارتباطات، دنیا به یک دهکده جهانی تبدیل شده است هر عملکرد و رویدادی و هر بیان و موضع گیری و هر گونه رفتار با شهروندان از طرف دولت ها در ظرف چند دقیقه در سطح جهان منتشر می شود و به اطلاع جهانیان می رسد.

آیا وقت آن نرسیده که قدرت مداران حکومت جمهوری اسلامی درک نمایند که در چه عصری و در چه جهانی زندگی می کنند و عملکرد و موضع گیری خود را بر اساس جهان امروز تنظیم نمایند و رفتار خود را با ملت بزرگ ایران بگونه ای قابل قبول برای جامعه جهانی تصحیح کنند که تا چنین عکس العمل ها و برخوردهای حیثیت بریادده و روبرو نشوند و باعث سرشکستگی ایرانیان در انظار جهانیان نگردند.

واعظی عمل

نیست جز غیر متعظ نامش
گر دُر و لعل ریزد از کامش
خنده زد راهرو به هر گامش
برف خود را برود از بامش

واعظی کز عمل بود عاری
سخنش در کسی اثر نکند
رهنمایی که راه کج پوید
گو کسی را برف غیر برفت

ادیب برومند

مرگهای ناشی از فقر و بی‌اعتنائی مسئولان

با نیم‌نگاهی به اوضاع جامعه‌ی امروزی، معلوم می‌شود که تنها اعداهای بی‌رویه‌ی عناوین مختلف نیست که افراد را از نعمت حیات محروم می‌کنند بلکه مؤسسات و فعالیتهای دیگری هم وجود دارند که پنحوی دیگر با سلامت و زندگی آنها بدون احساس مسئولیت بازی مینمایند...

هفته پیش در صفحه حوادث روزنامه معروفی در نهایت خست و بصورت تلگرافی این خبر جلب نظر میکرد: "دیروز در خیابان... هشت نفر جوان کارگر، هنگام تخریب ساختمان کهنه‌یی زیر آوار مانده و کشته شدند". حادثه‌هایی که نظایر آن هر روز در گوشه و کنار تهران بزرگ و وسیع رخ میدهد.

خبر تأثر انگیز بود و قابل تعقیب. اما از موجد بودن خبر، انگار صحبت از کشته شدن هشت نامورچه ریز در میان است نه نام و نشان و حدود سن جوانان. نه ملیت و داشتن جواز کار و حمایت عملی بیمه و نه وجود یا عدم سرپرستی و رعایت وسایل حفاظتی در محیط کار و...

در جهان آشفته‌یی که هر لحظه تعداد قابل ملاحظه‌ای از انسانها در میدانهای جنگ، جاده‌های ترانزیت، کمین‌گاههای تروریستهای بی‌رحم، بیمارها و کمبود دارو، اعتیاد و اعدام از بین رفته و فراموش می‌شوند

کشته شدن هشت جوان بشرح مذکور نمیتواند توجهی را جلب و تأثیری را برانگیزد ولی اگر انسان حساسیت خود را بطور کامل در برابر مرگهایی که زائیده فقر ناشی از ظلم می‌باشند از دست نداده باشد موضوع مورد بحث و پی‌آمدهای آنرا بیشتر می‌شکافد و متاسفانه به نتایج غم‌انگیزتری هم می‌رسد؛ تفاوت مرگها و نوع تأثیر آنها در جامعه البته مسلم است، اما

نمیدانیم مرگهای ناگهانی و بی‌صدا چرا اندوه سوزناکی را به دلها می‌ریزد و روح را اسیر رنج ویژه‌ای می‌کند؛ در داستان پایان‌ناپذیر فقر و ظلم که شاید به قطعیت نتوان گفت فقر موجب قبول ظلم می‌شود یا ظلم از عوامل مهم زاینده فقر می‌باشد؛ بهر حال معصومیت و مظلومیتی ویژه هست که وجدانها را ببرد می‌آورد. جوان سیزده-چهارده ساله‌ای که تحت فشار شرافت ذاتی و فریاد نیاز خود و خانواده از دامهای گوناگون اعتیاد، دزدی و شغل‌های کثیف گریخته و با سربلندی، کار و زحمت کشتی در کارگاههای ساختمانی را پذیرفته است چرا باید بر اثر سهل‌انگاری و بی‌اعتنائی قدرتمندان به مقررات، در چشم بهمزدنی نابود شود و چه بسا بی‌نام و نشان بریز خاک رود. این بی‌اعتنائی جامعه به فقر واقعا درد بزرگی است در حالیکه شیخ اجل سعدی میفرماید:

به چشم عجب و تکبر مکن به خلق نگاه
که مخلصین خدا ممکن اند در اوباش

آیا براستی منظره‌ی اشتغال نوجوانان سیزده چهارده ساله به کار گل برای ساخته شدن سریع برجها و قصرها و آنگاه فرو ریختن دیوار و بقیه قضایا... منظره‌ی زشت و زنده‌ای از حکومت فقر و ظلم نیست و جامعه از اینکه می‌توانست با امکانات موجود برای این جوانان زندگی و سرنوشت بهتری رقم بزند و این کار را نکرده احساس گناه نمی‌کند؟!

فساد مالی و اداری در جهان

مطابق گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی شاخص فساد در قطر (۳۲) امارات عربی (۳۴)، بحرین (۴۶)، اردن (۵۳)، کویت (۶۰)، عربستان سعودی (۷۹)، لبنان (۹۹)، یمن (۱۳۱)، ایران (۱۳۱)، سوریه (۱۳۸)، عراق (۱۷۸)، دانمارک، فنلاند و سنگاپور شاخص عددی (۱) دارای کمترین میزان فساد هستند.

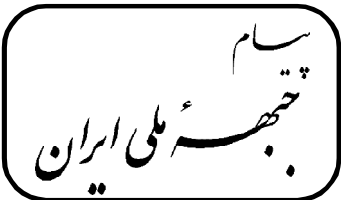
ایران امروز ۸۶/۷۷

تورم ویرانگر در ایران

موسسه بیزینس مانیتر در گزارش سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۷ نرخ تورم در کشور را در سال گذشته ۱۴٪ اعلام و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری به ۲۰٪ برسد. ایران امروز ۸۶/۷۷

سرهنگ جلیل بزرگمهر درگذشت

سرهنگ جلیل بزرگمهر افسر وطن دوست و لایقی که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ در دادگاههای نظامی شاه به عنوان وکیل مدافع در کنار دکتر مصدق رهبر بزرگ نهضت ملی ایران ایستاد و در افشا کردن کودتاچیان و دفاع از مصدق از هیچ کوشش و فداکاری دریغ نوزید؛ در روز دوشنبه دوم مهرماه دار فانی را وداع گفت و به سرای جاوید شتافت. او با نوشتن هشت جلد کتاب محاکمات مصدق و خاطرات خود از آن بزرگ مرد خدمات ارزنده دیگری را به این مرز و بوم به انجام رسانید. جبهه ملی ایران درگذشت این افسر شجاع و دانشمند را به خانواده‌های محترم بزرگمهر، حجازی و صالح و به همه پویندگان راه مصدق تسلیت می‌گوید.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد
دکتر مهدی آذر واصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org